

تأملی در تطبیق آیات شورا بر نظام مشروطه و دموکراسی

(پیروی اکثر یا اتباع احسن)

مهدی رنجبریان

اشاره

آیات شورا در نهضت مشروطه از طرف علمای مشروطه‌خواه در توجیه و دفاع از نظام مشروطه استفاده می‌شد. نویسندگان در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های تثنی چند از علمای مشروطه‌خواه و برخی از معاصرین، در تطبیق آیات شورا بر نظام مشروطه و دموکراسی، پرداخته است.

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شخص والی که شورای دربارش خوانند، به نص کلام مجید الهی (عزّ اسمه) و سیره مقدسه نبویه ﷺ - که تا زمان استیلای معاویه محفوظ بود این حقیقت - از مسلمات اسلامیه است و دلالت آیه مبارکه «وشاورهم فی الأمر» که عقل کل و نفس عصمت را بدان مخاطب و به مشورت با عقلای امت مکلف فرموده‌اند بر این مطلب، در کمال بدهاقت و ظهور است... و آیه مبارکه «وامرهم شوری بینهم» اگر چه فی نفسه بر زیاده از رجحان مشورت دلیل نباشد، لکن دلالتش بر آنکه وضع امور نوعیه بر آن است که به مشورت نوع برگزار شود، در کمال ظهور است.»^۱

۱-۲. تحلیل حاج آقا نور الله اصفهانی از آیه شورا: «دارالشوری و مشورت کردن از فرنگان نیست؛ همه وقت بوده است... در قرآن مجید می‌فرماید که «امرهم شوری بینهم» یعنی آنها (مؤمنین) کارشان از روی مشورت است، تو هم با اصحاب مشورت

یکی از مطالبی که در نوشته‌های علمای مشروطه خواه در توجیه و دفاع از نظام مشروطه دیده می‌شود، تطبیق ارکان نظام مشروطه به ویژه مجلس شورای ملی (دارالشوری) بر بعضی از آیات قرآن مجید است.

در این نوشتار تلاش خواهیم کرد تا با بررسی ویژگی‌های «مشورت» در اندیشه دینی و روش‌های دموکراتیک مبتنی بر اصول دموکراسی، نسبت میان نظام مشروطه با آیات شورا را ارزیابی کنیم.

۱. آیات شورا در اندیشه علمای مشروطه خواه

۱-۱. دیدگاه میرزای نائینی: «حقیقت سلطنت اسلامیه عبارت از ولایت بر سیاست امور امت - و به چه اندازه محدود است - همین طور ابتناء اساسش هم - نظر به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت - بر مشورت با عقلای امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است، نه تنها با خصوص بطانه و خواص

۱. محمدحسین نائینی، تئیه الأئمة و تزیه الملة، ص ۸۱

۱۲۳. استنباط شیخ اسماعیل محلاتی از آیه شورا: «طریق تعیین آن (صغریات مصالح و مفاسد مملکت و مصادیق منافع و مضار ملکیه) در هر زمان، انظار عقلای مملکت و عقول امنای ملت است که در موازین سیاسیه و شعب و شئون آن با خبرت و بصیرتند که از روی مشورت و صواب دید یکدیگر به حسب صلاح آن دوره، جمیع جهات و حیثیات آن را در تحت میزانی محدود و قانونی مضبوط در آورند... و غرض از انعقاد مجلس شورا و تعیین امنا در این دوره، غیر از این چیز دیگری نباشد... و از این جهت است که در قرآن کریم در سوره مبارکه شوری آن را در عداد اجتناب از کبایرو فواحش و اقامه صلوة که از اهم فرایض دینیه است ذکر فرموده و می فرماید: «و ما عند الله خیر و ابقی للذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون و الذین یتجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبهم یغفرون و

بکن و آنها را طرف مشورت قرار بده که این مطلب، نهایت مرحمت در حق آنها بوده است. و اما اخبار در باب مشورت بسیار است... پس معلوم شد که مسأله شوری در امور مهم بر حسب امر خلاق عالم است و اطاعت همان قانون است. از اینها معلوم می شود که مشروطه، عین اسلام و اسلام همان مشروطه است و مشروطه خواهی، اسلام خواهی است... مشروطه می گوید در مطالب عادی و امور دولتی، طریقه انتظام بلد و ولایات، اسباب ترقی ملت، تجارت، صناعت و زراعت خوب است. صد نفر یا صد و پنجاه نفر از عقلای هر مملکتی را که وکلایشان می نامند در مجلس بنشینند به هر قسم صلاح ملت و مملکت را دانسته و رأی دادند، رفتار نمایند و طریقه نجات ملت مظلوم را در تسلط خارجه و سایر حوادث، معین و مهیا نمایند و به مقتضای «وامرهم شوری بینهم» در ترقی ملت و راه ترویج تجارت، صناعت، فلاحت در این مجلس که او را دارالشوری می نامند، مشورت کرده و نتیجه را به ملت اعلام نمایند.»^۱

۱. حاج آقا نورالله اصفهانی، رساله مکالمات مقیم و مسافر، غلام حسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۴۳۱-۴۳۸.

آن چه گذشت دیدگاه تعدادی از علمای مشروطه خواه پیرامون رابطه آیات شورا و الگوهای دموکراسی بود.

شاید این رویکرد در آغاز رویارویی اندیشمندان دینی با امواج تازه از راه رسیده دموکراسی امری طبیعی باشد؛ ولی با گذشت زمان و آشکار شدن اصول و مبانی دموکراسی در دهه های اخیر، این موضوع از میان دیدگاه های علمای دینی رخت بریست. با وجود این، هنوز هم گروه ها و افرادی وجود دارند که در اثر کم اطلاعی یا اهداف سیاسی ادعا می کنند که طبق آیات قرآن، باید همه امور و قوانین اجتماعی بر اساس رأی مردم تنظیم شود.^۲

۱. محمد اسماعیل محلاتی، اللثالی المشروطه فی وجوب المشروطه، غلام حسین زرگری نژاد، همان، ص ۵۳۹-۵۴۰

۲. عبدالرسول مدنی کاشانی، رساله انصافیه، ص ۸۱.
۳. به عنوان نمونه مهندس، بازرگان در این باره می نویسند: «برای اداره جامعه، قرآن به دفاع از حقوق و آزادی افراد پرداخته، حکومت و مدیریت یا اداره امور را واگذار به جمهور جامعه و به خود مردم از طریق مشورت و توافق اکثریت نموده و «امرهم شوری بینهم» می فرماید و نیا آنجا پیش می رود که حتی فرستاده خدا را مأمور و مجاز به ولایت امر است بر

الذین استجابوا لربهم و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ما رزقناهم بفقون.»^۱

۴- ۱. نظر ملا عبدالرسول مدنی کاشانی: «احرار گرد هم بر آمده در امور مملکتی و ولایات که مدخلیت در سیاست و تدبیر منزل دارد با مشورت یکدیگر هم رأی و هم قوه و متحد شده به مقتضای حکمت رفتار شود و این مجمع، مرکب از احرار باید، نه از اشارار؛ و مذاکره آنها از خلّیت و حرمت و وجوب و کراهت و فساد و صحت عملی یا عبادتی نیست؛ چه، واضع این احکام را جز خداوند ندانیم؛ بلکه در تدبیر امور مملکت و اجرای امور به مجرای قانون است و این ترتیب هم جز طریقه پیغمبر ﷺ نیست؛ چه، آن حضرت با این که منبع علم و حکمت و دانای بهترین قوانین استحکام مملکت بود، امور سیاسیه را بدون مشورت اقدام نمی فرمود.» او شاورهم فی الأمر» و «وامرهم شوری بینهم» بزرگ دلیلی است بر این امر و ابداً جای شبهه نیست که آن حضرت در سیاسات مملکتی تجویز مشاوره را فرموده.^۲

اطهار بالتکلیف در این باره به دست ما رسیده، برای افرادی که طرف مشورت قرار می‌گیرند ویژگی‌های خاصی در نظر گرفته شده است؛ مانند این‌که فرد مورد نظر با تقوا، خیر خواه، خبره، کاردان، دارای حلم و تجربه باشد.^۱ علاوه بر این‌که به حکم عقل هم، انسان باید در هر موضوعی با کارشناسان مربوط مشورت کند و طبعاً در فرآیند مشورت، نظر کارشناسان بیش از افراد غیر متخصص اعتبار دارد.

طبق رأی خود نکرده، اداره و قوانین و مقررات جوامع را به اصطلاح منتسب در هزار سال بعد، حالت قرارداد اجتماعی دانسته و همه افراد با مشارکت و موافقت خردشان، قبول حدود و وظایف و اختیارات را می‌نمایند. باز هم می‌بینیم هزاران سال قبل از این‌که دمکراسی در مکتب غربی وضع شود، حکومت مستقیم مردم بر مردم در جامعه نبوی (صلی الله علیه و آله) و علوی علیه السلام ارائه و اجرا شده است. مهندس بازرگان، بازیابی ارزشها، ص ۴۰۸.

محسن کدیور نیز می‌نویسد: «و امرهم شوری بینهم» یعنی امور دنیایی و حوادث روز مره مردم که سیاست مداری و آیین کشورداری از جمله آنهاست، کلاً به عهده خود مردم است. به عبارت دیگر، امور مردمی باید از طریق مشاورت و رأی‌زنی خود آنها با یکدیگر حل و فصل شود. نه از طریق وحی و رسالت الهی. محسن کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، ص ۱۸۴.

۱. مسجدمذاقہ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، باب المشورة و من ینبغی استشارته.

اکنون روشن می‌شود که تحلیل و بررسی این موضوع، جهت غبارروبی از دو طرف قضیه (مفهوم آیات شورا و روش‌های دمکراتیک) ضروری است.

دو آیه مورد بحث عبارتند از:

۱. و مشاورهم فی الأمر؛

۲. و امرهم شوری بینهم.

پیش از این‌که به توضیح آیات بالا بپردازیم، ابتدا مناسب است در مفهوم «مشورت از دیدگاه اسلام» و تفاوت‌های آن با روش‌های دمکراتیک تأملی داشته باشیم.

۲. تمایزهای مشورت با روش‌های دمکراتیک

۲-۱. از نظر شرایط مشاوران و رأی دهندگان؛

در دین مبین اسلام به منظور موفقیت هر چه بیشتر مؤمنان، به آنها سفارش شده است که در کارها با یکدیگر مشورت کنند. هدف از آن، کاهش ضریب خطا در مسائل و رشد و تعالی مسلمانان می‌باشد. به همین جهت در روایاتی که از ائمه

«اتباع» مکلف هستند. و در آیه‌هایی از قرآن مجید بر این نکته تأکید شده است؛ چنان‌که در سوره مبارکه نساء، آیه ۵۹ می‌فرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» و نیز در سوره بقره آیه ۱۷۰ می‌فرماید: «اتبعوا ما انزل الله». آیات فراوانی با همین مضمون در قرآن مجید آمده است که مجال ذکر همه آنها نیست؛ بنابراین مؤمنان در درجه اول، باید مطیع و تابع اوامر و نواهی شارع مقدس باشند و فقط در اموری که حکم الزام آوری از طرف دین ندارند، می‌توانند با مشورت کارهای خود را انجام دهند. به‌طور مثال، هیچ‌گاه مسلمانان حق ندارند با اتکا به مشورت به ربا خواری اقدام کنند؛ زیرا حرمت ربا از مسائل مسلم دین مبین اسلام است. این در حالی است که مطابق الگوهای دمکراسی، باید در همه امور، تصمیم‌گیرنده اصلی، مردم یا نمایندگان آنها باشند. در آن‌چه که مورد نظرخواهی قرار می‌گیرد، هیچ

در روش‌های دمکراتیک برای رأی دهندگان، شرایط خاصی تعیین نمی‌شود و تنها شرط لازم، سن قانونی و تابعیت کشور است و تعهد و تخصص افراد به هیچ وجه مورد توجه نیست؛ از این رو در انتخابات، نظر یک فرد عادی به اندازه رأی یک شخص متخصص و کارشناس اعتبار دارد!

۲-۲. قلمرو مشورت و گستره امور قابل رأی‌گیری: طبق بینش اسلامی، مشورت فقط در اموری جایز است که حکم الزام آوری در دین ندارند. علامه طباطبائی درباره آن می‌نویسد:

روایات زیادی در مورد مشورت وجود دارد، اما مورد مشورت آن جایی است که مشورت کننده در انجام و ترک آن مورد مجاز باشد؛ ولی در مورد احکام ثابت الهی، جایی برای مشورت وجود ندارد؛ کما این‌که هیچ احدی حق تغییر این احکام را ندارد.^۱

از این رو در مورد اوامر و نواهی خداوند - چه در امور فردی و چه در مسائل اجتماعی - مؤمنان به «اطاعت» و

۱. محمدحسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۰.

مرحوم علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

مشورت که در این آیه مطرح شده، مشابه آیه «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (= مؤمنان کسانی هستند که نظرهای مختلف را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند.^۱) می‌باشد.^۲

یعنی پس از انجام مشورت باید «اتباع احسن» کرد، نه «اتباع اکثر». آیات فراوانی هم بر این موضوع دلالت دارند از جمله در سوره مبارکه انعام می‌فرماید:

«وَإِنْ تَطَعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ بِضُلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»^۳ اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند پیروی کنی، تو را از راه خدا منحرف می‌کنند؛ زیرا آنها تنها از گمان پیروی می‌کنند و حدس می‌زنند.»

در حالی که مطابق الگوهای دموکراسی، لزوماً باید تابع اکثریت بود و

محدودیتی از جهت احکام الهی وجود ندارد؛ چرا که اساساً بر مبنای سکولاریسم، دین فقط در امور فردی خلاصه می‌شود و در امور سیاسی و اجتماعی حق دخالت ندارد.

۲-۳. اتباع احسن به جای پیروی اکثر: یکی از ویژگی‌های ممتاز مشورت اسلامی این است که اگر کسی با چند نفر مشورت می‌کند، مکلف نیست لزوماً به آنچه موافق نظر اکثریت مشورت دهندگان است عمل نماید؛ بلکه می‌تواند پیشنهاد بهتر را انتخاب کند، اگر چه مطابق نظر اکثریت نباشد و احتمالاً موافق با نظر کسی باشد که در موضوع مورد مشورت، خبره‌تر و آگاه‌تر است. روشن است که رابطه «احسن» با «اکثر» عموم و خصوص من وجه است. ممکن است آنچه احسن است، اکثر نیز باشد؛ همان‌طور که عکس آن نیز احتمال دارد؛ بنابراین آنچه باید ملاک عمل قرار گیرد، احسن بودن است صرف نظر از تعداد طرف‌داران یا مخالفان آن.

۱. سوره زمر، آیه ۱۸.

۲. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج

۱۸، ص ۶۳.

۳. سوره انعام، آیه ۱۶.

نشوری به دو ویژگی اول توجه داشته‌اند؛ با این حال در دفاع از دارالشوری راهکاری ارائه نکرده‌اند که در سایه آن، این دو نکته در عمل مورد توجه قرار گیرند و رعایت شوند؛ ولی در میان مسائل موجود، حتی در حد بحث‌های نظری هم به ویژگی سوم که دارای اهمیت زیادی است، اشاره‌ای نمی‌شود. با این حال، نویسندگان متأخر به هیچ یک از نکته‌های بالا توجهی نشان نداده و معمولاً به طور مطلق، آیات شوری را بر مدل‌های دمکراسی تطبیق کرده‌اند.

از نقدهای مهم بر چنین افرادی این است که دمکراسی را تنها در انتخابات و رأی‌گیری خلاصه کرده و نسبت به مبانی و اصولی که دمکراسی بر آنها استوار است تجاهل کرده‌اند و از سوی دیگر از اسلام و اندیشه سیاسی آن هم، تنها به مسأله مشورت پرداخته و اصول، مبانی و ساختار کلی نظام سیاسی اسلام را نادیده گرفته‌اند. بنیان دمکراسی بر اومانیزم، نسبی‌گرایی، سکولاریسم و... استوار است

پس از برگزاری انتخابات، جایی برای بررسی و کارشناسی نیست و اهمیتی ندارد که از جهت کیفیت، نظر اکثریت بهتر است یا اقلیت. اساساً فلسفه رأی‌گیری در الگوهای دمکراسی غرب، کشف نظر اکثریت است؛ ولی مطابق اندیشه دینی، مشورت به منظور کشف راهکار بهتر صورت می‌گیرد.

از آن چه گذشت روشن شد که:

۱. از نظر اسلام، مشورت فقط در اموری جایز است که حکم الزام آوری برای آنها در دین وجود نداشته باشد؛

۲. افرادی که به عنوان مشاور انتخاب می‌شوند باید متقی، خیر خواه و در موضوع مورد مشورت، خبره و کارشناس باشند؛

۳. پس از فرآیند مشورت، باید به نظر بهتر و دقیق‌تری عمل شود که معمولاً از سوی افراد متخصص ارائه می‌گردد؛ هر چند موافق با رأی اکثریت مشورت دهندگان نباشد.

اغلب علمای دوره مشروطه در مرحله

این دو آیه ویژگی‌های مؤمنان را بیان می‌کند. که عبارتند از:

۱. اجتناب از محرّمات؛
۲. گذشت، هنگام خشم؛
۳. اجابت امر خدا؛
۴. به پا داشتن نماز؛
۵. مشورت در کارها؛
۶. انفاق.

ملاحظه می‌شود که در این دو آیه، شش ویژگی برای مؤمنان ذکر شده که یکی از آنها مشورت در کارهاست. نکته قابل توجه این که قبل از مسأله مشورت، دو ویژگی پرهیز از محرّمات و اجابت امر خدا ذکر شده که هر دو ماهیت «اطاعت» دارند و مؤمنان در آنها باید مطیع امر خدا باشند. علامه طباطبائی رحمته‌الله در مورد اجابت امر خدا می‌نویسد:

منظور از اجابت امر خدا انجام تکالیف الهی است.^۱

از مجموع مطالب بالا روشن می‌شود

که با اساس مکتب تشیع و دین مبین اسلام در تضاد می‌باشد. در این نوشتار، بررسی نسبت میان نظام‌های لیبرال دموکراسی غرب با نظام سیاسی اسلام، مورد نظر نیست و صرفاً ارزیابی نسبت میان روش‌های دموکراتیک (رای‌گیری) با مسأله مشورت است که آیات و روایات به آن تأکید می‌کنند. اکنون به توضیح مختصری درباره آیات مورد بحث می‌پردازیم.

۳. بررسی مفهوم آیات شورا:

۳-۱. «والَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (*)» و الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ^۱؛ (و آنان که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها می‌پرهیزند و هنگام خشم گذشت می‌کنند و آنان کسانی هستند که امر خدا را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کسردیم، به فقیران انفاق می‌کنند.)

۱. سوره شوری، آیه ۳۷ و ۳۸.

۲. محمدحسین طباطبائی، همان.

شود که امر حکومت از زمره امور مردم است. در این حال می توان گفت چون حکومت جزء امر الناس است و مؤمنین در امور خود مشورت می کنند، پس حکومت با مشورت مردم تشکیل می شود؛ اما تا وقتی که ثابت نشود که حکومت امر الناس است، استدلال به آیه مزبور درست نیست.^۱

آیت الله مصباح یزدی نیز در مورد مفاد آیه می گوید:

«آیه شریفه «وامرهم شوری بینهم» به این معنا نیست که مردم در همه چیز می توانند نظر بدهند و حلال و حرام خدا را با شور و گفت و گو تغییر دهند؛ بلکه طبق آیه شریفه ۳۶ از سوره مبارکه احزاب که می فرماید: «و ما کان لمؤمن ولا مؤمنه اذا قضی الله ورسوله أمراً ان یکون لهم الخیره من امرهم» (= وقتی خدا و رسول امری را واجب کردند، هیچ زن و مرد مؤمنی اختیار و حق مخالفت ندارد) در احکامی که از سوی خدا و پیغمبر صادر شده است، مؤمنان هیچ

که سلوک مؤمنان به این ترتیب است:

۱. در مورد نواهی خداوند: از محرمات می پرهیزند (= اطاعت)؛
۲. درباره اوامر خداوند: امر خدا را اجابت می کنند (= اطاعت)؛
۳. در مواردی که حکم الزام آوری از طرف خدای بزرگ نرسیده است، مشورت می نمایند (مشورت).

پس در اموری که خداوند فرمان خاصی دارد، مؤمنان مطیعند و در سایر موارد که حکم ویژه ای صادر نشده است، اهل مشورت و برنامه ریزی هستند؛ بنابراین آشکار می شود که تطبیق این آیه بر نظام های دموکراتیک تا چه حد سست و بی اساس است.

آیت الله جوادی آملی با اشاره به این که تمسک به این آیه، برای اثبات حاکمیت مردم بر مردم باطل می باشد، اثبات این مدعا را با پیام آیه بی ارتباط می داند و می نویسد:

استدلال به این آیه بر مسأله حکومت و رهبری، وقتی درست است که نخست اثبات

۱. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه: ولایت قناعت و عدالت، ص ۴۳۲.

اختیاری در دخل و تصرف ندارند.^۱

۲-۳. «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الأمر فإذا عزمت فتوكل على الله إن الله إن الله يحب المتوكلين»؛ (رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند؛ پس از اشتباه‌های آنان درگذر و از خدا برای آنان طلب آموزش کن و برای دلجویی با آنها (در کار جنگ) مشورت نما؛ لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام بده. همانا خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد.) در این آیه ملاحظه می شود که خدای متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: رحمت الهی تو را نرم خو کرد؛ اگر سخت دل بودی، مردم تو را رها می کردند.

آن گاه سه نکته را به پیامبر اکرم ﷺ یاد آور می شود که عبارتند از:

۱. گذشت؛

۲. طلب آموزش برای مردم؛

۳. مشورت با مردم.

سیاق آیه نشان می دهد که موارد بالا به منظور جلب حمایت و محبت مردم مطرح شده است؛ از این رو هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا به مردم اعلام کرد: آگاه باشید که خدا و رسول، نیازی به مشورت ندارند؛ ولی خداوند این مسأله را به منظور لطف و رحمت وحی نمود.^۲

نکته دیگر این که - همان طور که گذشت - مواردی می توانند مورد مشورت قرار گیرند که حکم الزام آوری از سوی خدای متعال برای آنها بیان نشده باشد؛ چرا که اگر در مورد اوامر و نواهی خدا هم بر اساس رأی مردم عمل شود، به تعبیر علامه طباطبائی، اصل تشریح، وحی، انزال کتب و ارسال رسل لغو خواهد بود.^۳ نکته بعد آن که در این آیه، پس از امر به مشورت می فرماید: "فإذا عزمت فتوكل على الله"؛ یعنی پس از مشورت، خودت تصمیم بگیر و در اجرای آن بر خدا توکل

۱. محمد تقی مصباح بزدی، پوشش‌ها و پناخ‌ها، ج ۱، ص ۴۱.

۲. محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۴، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۵۷.

و در این صورت نیز، حاکم اسلامی موظف بود به رأی اکثریت عمل کند؛ ولی هیچ کدام از این تعابیر در این آیه ذکر شده؛ بلکه می‌فرماید: «إِذَا عَزَمْتَ»؛ یعنی با مردم مشورت و پس از آن، خودت راه بهتر را انتخاب کن. در نتیجه پس از مشورت، باز هم تصمیم نهایی به عهده خود حاکم اسلامی است بوده و این یکی دیگر از تفاوت‌های بنیادین مشورت اسلامی با روش‌های دموکراتیک است.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت روشن شد که این آیات، هیچ‌گونه دلالتی بر روش‌های دموکراتیک ندارند و منظور آیات صرفاً تأکید بر مراجعه به متخصص و کارشناس می‌باشد.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که فضای استبدادی دوره مشروطه و لزوم محدود کردن قدرت سلطنت، احتمالاً در دفاع علمای دوره مشروطه از دارالشوری،

کن؛ پس معلوم می‌شود که مشورت، حق انتخاب و تصمیم‌گیری را از حاکم اسلامی سلب نمی‌کند، در حالی که در نظام‌های دموکراتیک پس از همه‌پرسی، فرصتی برای بحث‌های کارشناسی و تصمیم‌گیری باقی نمی‌ماند و الزاماً باید به نظر اکثریت عمل شود.

آیت‌الله جوادی آملی به زیبایی، این نکته را از آیه شریفه استفاده می‌کند:

در این آیه فرمود: «إِذَا عَزَمُوا»؛ هنگامی که امت عازم شد یا فرمود: «إِذَا عَزَمْتُمْ»؛ هنگامی که تو و آنها عزم کردید بلکه فرمود: هر گاه خودت تصمیم گرفتی] و این نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری نهایی بر عهده خود آن حضرت است و مشورت، جنبه مقدماتی و کارشناسی و موضوع‌شناسی و مانند آن دارد.^۱

توضیح این‌که اگر می‌فرمود: «إِذَا عَزَمُوا» به این معنا بود که هر چه مردم تصمیم گرفتند به همان عمل کن. هم‌چنین اگر می‌فرمود: «إِذَا عَزَمْتُمْ»، معنای آیه این می‌شد که رأی حاکم اسلامی در کنار رأی مردم قرار می‌گیرد و ارزش آنها یکسان است

۱. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۲۳۳.

است؛ ولی آن‌چه اهمیت زیادی دارد این‌که برای مشروعیت بخشی به این روش‌ها، آیات قرآن دست‌خوش تفسیرهای التقاطی نشوند.

سهم به سزایی داشته است. سرانجام به نظر می‌رسد یگانه نهادی که شیوه عملکرد آن تا حدودی به اصول مشورت اسلامی نزدیک است، مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد؛ زیرا مطابق بند یک، اصل ۱۱۰ و نیز اصل ۱۱۲ یکی از وظایف این مجمع، ایفای نقش مشاور برای مقام رهبری است. تصمیم‌های این مجمع برای مقام رهبری الزام آور نیست و رهبر در موافقت یا مخالفت یا اصلاح تصمیم‌های مجمع مختار است و باز مطابق اصل ۱۱۲ اعضای این مجمع توسط رهبر انتخاب می‌شوند و بدیهی است که مقام رهبری؛ افراد متعهد، متخصص و کاردان را برای عضویت در این مجمع برمی‌گزینند. در این‌جا تذکر این نکته ضرورت دارد که هدف از این مباحث، نفی شیوه‌های انتخاباتی نظام جمهوری اسلامی نیست و شاید امروزه، اداره کشور با این روش‌ها، اجتناب‌ناپذیر و نشأت گرفته از ضرورت زمانه باشد که در جای خود قابل بررسی

کتاب نامه

۱. بازرگان، مهدی؛ بازیابی ارزشها؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۲. جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت؛ قم: مؤسسه اسراء، ۱۳۷۸.
۳. زرگری نژاد، غلام حسین؛ رسائل مشروطیت: چاپ ۲، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۷.
۴. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ق.
۵. کدیور، محسن؛ نظریه های دولت در فقه شیعه؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۷. مدنی کاشانی، عبدالرسول؛ رساله انصافیه؛ چاپ ۱، [بی جا]: انتشارات مرسل، ۱۳۷۸.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ پرسش ها و پاسخ ها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
۹. نائینی، محمدحسین؛ تنبیه الأمة و تنزیه الملة؛ چاپ ۹، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی